



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 32. No 4. Winter 2025

Received date: 2025.01.15

Acceptance date: 2025.04.22



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک-خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

The Impact of the Democratic Revolution in Bahrain on the Security of the Persian Gulf Region

Saeed Safi Ardahai¹



Abstract

Given the importance of changes in the surrounding environment on regional security and the need to research possible scenarios in the future of the region, the present study attempts to examine the impact of a hypothetical and probable democratic revolution in Bahrain on the security of the Persian Gulf region using a descriptive-analytical method, using data collected from the library that were analyzed using the content analysis method, and using the theoretical framework of the Copenhagen School and the theory of the regional security complex. The main question of the present study is what impact will the occurrence of a democratic revolution in Bahrain and the fall of the Al Khalifa regime have on the security of the Persian Gulf region? The results of the present study show that Bahrain is a member of the Gulf States faction, and any regime change in this country and the possible rise of the Shiite majority will cause radical changes in Bahrain's foreign and security policy, and this will cause a rift in the Gulf Cooperation Council. The increase in Shiite power in the Persian Gulf region, Bahrain's separation from the Saudi security network, and the weakening of Saudi Arabia's position in the Persian Gulf region, the weakening of American and British influence in Bahrain, and possibly Bahrain's turn towards Iran are other possible outcomes of a hypothetical but possible democratic revolution in Bahrain.

Keywords: Bahrain, Persian Gulf Security, Democratic Revolution.

1 - PhD candidate in political science majoring in public policy, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۴، پیاپی (۱۱۸)، زمستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: پژوهشی

تأثیرات انقلاب دموکراتیک در بحرین بر امنیت منطقه خلیج فارس

سعید صافی اردهایی^۱



چکیده

با توجه به اهمیت تغییرات در محیط پیرامون بر امنیت منطقه‌ای و نیز ضرورت پژوهش درباره سناریوهای محتمل در آینده منطقه، پژوهش حاضر می‌کوشد با روشی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های جمع‌آوری شده از کتابخانه که به روش تحلیل مضمون تحلیل شده‌اند و نیز با بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای به تأثیر وقوع فرضی و محتمل انقلاب دموکراتیک در بحرین بر امنیت منطقه خلیج فارس بپردازد. سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که وقوع انقلاب دموکراتیک در بحرین و سقوط رژیم آل‌خلیفه چه تأثیری بر امنیت منطقه خلیج فارس خواهد گذاشت؟ نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بحرین عضوی از کشورهای حاشیه خلیج فارس بوده و هر گونه تغییر رژیم در این کشور و قدرت گرفتن احتمالی اکثریت شیعه باعث تغییرات رادیکال در سیاست خارجی و امنیتی بحرین گشته و این موضوع باعث شکاف در شورای همکاری خلیج فارس می‌شود. افزایش قدرت شیعه در منطقه خلیج فارس، جدا شدن بحرین از شبکه امنیتی سعودی و تضعیف موقعیت عربستان سعودی در منطقه خلیج فارس، تضعیف نفوذ آمریکا و انگلیس در بحرین و احتمالاً چرخش بحرین به سمت ایران از دیگر نتایج حاصله وقوع فرضی اما محتمل یک انقلاب دموکراتیک در بحرین است.

واژگان کلیدی: بحرین، امنیت خلیج فارس، انقلاب دموکراتیک.

۱ - دانشجوی دکترای علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
saeedsafi@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

پژوهش حاضر می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که وقوع انقلاب دموکراتیک در کشور بحرین و سقوط رژیم آل خلیفه دارای چه تاثیراتی بر امنیت منطقه خلیج فارس و بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حاضر در صحنه سیاسی-امنیتی منطقه است؟ اهمیت پژوهش حاضر در آن است که کشورها باید خود را برای سناریوهای محتمل گوناگون در محیط پیرامونی آمادگی لازم را داشته باشند تا بتوانند در لحظات حساسی مانند انقلاب یا تغییر رژیم در کشورهای منطقه به اتخاذ تصمیمات درست در سیاست امنیتی و خارجی بپردازند تا منافع ملی خود را حداکثرسازی کنند. این آمادگی لازم به پشتوانه کارهای نظری و دانشگاهی ایجاد می‌شود.^۱ یکی از کشورهای همسایه ایران که در منطقه خلیج فارس قرار دارد کشور بحرین است که دارای ساختار سیاسی-اجتماعی خاصی می‌باشد که ضرورت مطالعه سناریوهای گوناگون آینده این کشور را دوچندان می‌کند. یکی از سناریوهای محتمل برای آینده بحرین وقوع انقلاب دموکراتیک در این کشور و سقوط رژیم آل خلیفه است. این یک فرضیه محتمل است که فرضیه پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. اگر این فرضیه به وقوع بپیوندد آنگاه در نظم منطقه خلیج فارس و ترتیبات امنیتی منطقه تاثیراتی بر جای خواهد گذاشت. رسالت پژوهش حاضر واکاوی و کشف این تاثیرات است. به تعبیری دیگر پژوهش حاضر تاثیرات یک آینده محتمل در سیاست داخلی بحرین را بر ترتیبات و نظم امنیتی خلیج فارس مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در تعریف انقلاب دموکراتیک باید گفت که انقلاب دموکراتیک یک اصطلاح علوم سیاسی است که به انقلابی اشاره می‌کند که در آن یک دموکراسی ایجاد می‌شود و جایگزین یک دولت غیر دموکراتیک قبلی می‌شود یا در آن تغییرات انقلابی از طریق ابزارهای دموکراتیک ایجاد می‌شود (توکویل، ۱۴۰۳). به عقیده توکویل، دموکراسی و نیز سایر اشکال رژیم، یک وضعیت اجتماعی است، دارای جهت‌گیری اخلاقی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی یک قوم است؛ نوعی رفتار است. این به آن معنا است که انقلاب به طور کلی رفتار را شکل می‌دهد. برای انقلاب دموکراتیک، این رفتار آزادتر و برابرتر می‌شود. ایده توکویل از انقلاب دموکراتیک این است که این انقلاب یک پیشرفت ثابت برابری است، به این معنی

۱- مثلاً جامعه علمی ما نتوانسته بود آینده سوریه پسا اسد را پیش‌بینی و تحلیل نماید، به طوری که حتی یک مقاله علمی راجع به سوریه پسا اسد و چگونگی تعامل یا تقابل ایران با آن وجود نداشت.

که در طول زمان همه مردم برابرتر خواهند شد. انقلاب‌های دموکراتیک را می‌توان به رویکردهای مختلفی تقسیم کرد (توکویل، ۱۴۰۳).

رویکرد اول توسعه‌رهایی از حکومت استبدادی یا دیکتاتوری را مد نظر دارد. این ایده مطرح می‌شود که قدرت باید به طور مساوی تقسیم شود. رویکرد دوم را می‌توان در اهمیت بازار و درک این موضوع یافت که سوسیالیسم دولتی بهترین راه برای اداره یک دولت نیست. این ایده انقلاب سستی مردمی زمانی مطرح می‌شود که مردم مشتاق الغاء یا دگرگونی بنیادی دولت‌های مارکسیستی-لنینیستی شوند. رویکرد سوم برگرفته از دانشمندان علوم اجتماعی غربی و در ارتباط با شیوه‌های جدید تفکر در مورد تغییرات در جهت دموکراسی است. این را می‌توان به عنوان تغییری در نظر گرفت که در آن دموکراسی‌ها باید از بالا «ساخته شوند» با ایجاد محدودیت‌ها. این پارادایم دگرگونی اهمیت مهارت‌های استراتژیک بازیگران نخبه را حفظ می‌کند. آنها عمدتاً در ترکیب با شانس محض، راهی برای مانور در شرایط عدم اطمینان عمیق پیدا می‌کنند. از سوی دیگر همان‌طور که در موج سوم دموکراسی‌سازی دیده می‌شود، تغییر می‌تواند از پایین بیاید، این همان چیزی است که نیروهای اجتماعی نامیده می‌شود. بسیج توده‌ای از پایین، عمدتاً توسط طبقه کارگر جمع شده است.

آنچه راجع به بحرین مطمح نظر است دسته اول انقلاب دموکراتیک است که طی آن یک رژیم دموکراتیک جایگزین رژیم استبدادی می‌شود. علاوه بر این، انقلاب مفهومی است که حاکی از انقطاع ناگهانی و حرکت به سوی یک رژیم جدید است. باید گفت که هر وقت رژیم جدیدی وجود نداشته باشد، انقلابی شکست خورده است. در مقابل، انقلاب دموکراتیک لزوماً به این معنی نیست که این روند چقدر طول خواهد کشید. بی‌شکلی مشکل ذاتی انقلاب‌های دموکراتیک است. هنگامی که گذارها را می‌توان به عنوان یک فرایند طولانی تعبیر کرد، عقب‌نشینی نشانه‌های شکست یا موفقیت در جریان رویدادهای سیاسی و اقتصادی دشوار می‌شود (پناهی، ۱۴۰۲). پس یک انقلاب حاصل یک فرایند طولانی است و ممکن است دهه‌ها به طول بینجامد. در مورد بحرین درست است که تا کنون اعتراضات دموکراسی‌خواهانه به ثمر ننشسته و رژیم کنونی ساقط نشده، اما این احتمال در آینده وجود دارد که اعتراضات دموکراسی‌خواهانه به ثمر نشسته و رژیم کنونی ساقط شده و گروه‌های اپوزیسیون قدرت سیاسی در بحرین را در دست بگیرند که این حالت فرضی در حقیقت فرضیه پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

روش پژوهش و پیشینه پژوهش

در موضوع بحرین و احتمال به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور مطالعاتی انجام شده است؛ به عنوان مثال حجت مهکویی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین چالش‌های شیعیان در کشور بحرین» به بررسی وضعیت سیاسی-اجتماعی شیعیان بحرین و جایگاه این اکثریت قومی در سطوح و مسائل گوناگون پرداخته است. مهکویی چنین نتیجه گرفته که شیعیان بحرین از تبعیض سیستماتیک و عامدانه‌ای که از سوی رژیم آل‌خلیفه بر ایشان اعمال می‌شود، رنج می‌برند. مهکویی در این مقاله به بررسی مسائل داخلی بحرین و جایگاه شیعیان در داخل بحرین پرداخته و مباحث مربوط به امنیت منطقه‌ای و... در مقاله او بررسی نشده است.

اخوان کاظمی و شاه قلعه (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی به انقلاب بحرین به مسائل داخلی بحرین و نیز نقش کارشکنانه عربستان سعودی در کمک به رژیم آل‌خلیفه در سرکوب اعتراضات دموکراسی‌خواهانه سال ۲۰۱۱-۲۰۱۳ می‌پردازد. در این مقاله نیز تاثیر انقلاب دموکراتیک در بحرین بر امنیت منطقه خلیج فارس بررسی نشده و بیشتر به روابط بحرین با عربستان سعودی بسنده شده است.

در مطالعات دیگری مانند عباسی و حسنی (۱۳۹۵) فقط به نقش بحرین در شورای همکاری خلیج فارس و نقش شورا در سرکوب اعتراضات دموکراسی‌خواهانه در بحرین پرداخته شده و هیچ‌کدام از این مطالعات اتصال میان سیاست داخلی بحرین به امنیت خلیج فارس در صورت وقوع یک انقلاب دموکراتیک را در چارچوب امنیت دسته جمعی مکتب کپنهاگ بررسی نکرده‌اند و پژوهش حاضر می‌کوشد این کار را انجام دهد. به این منظور ۶ گام روشی را طی خواهیم کرد. در گام اول به تعریف مفاهیم نظری پژوهش مانند انقلاب دموکراتیک^۱، انقلاب سیاسی^۲ و وضعیت بحرین پرداختیم. در گام دوم چارچوب نظری پژوهش حاضر یعنی مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۳، امنیتی‌سازی^۴ و مباحث مشتق از مکتب کپنهاگ^۵ را بیان خواهیم کرد. علت انتخاب مکتب کپنهاگ به عنوان چارچوب نظری به این دلیل است که این مکتب امنیت را در سطح منطقه‌ای و بر اساس تهدیدات، فرصت‌ها و ویژگی‌های خاص

1 - Democratic revolution

2 - Political revolution

3 - Regional Security Complex Theory (RSCT)

4 - Securitization

5 - Copenhagen School

آن منطقه تحلیل می‌کند و از نظر ما مناسب‌ترین چارچوب نظری برای بیان نظم و ترتیبات منطقه خلیج فارس است. در گام چهارم به ساختار سیاسی-اجتماعی بحرین، حاکمیت آل خلیفه، گروه‌های اپوزیسیون و سیاست داخلی بحرین خواهیم پرداخت. در گام پنجم به امنیت منطقه خلیج فارس و وضعیت فعلی بازیگران دخیل و نیز نقش و جایگاه بحرین در این نظم خواهیم پرداخت و در گام ششم و نهایی به پیامدهای سقوط رژیم آل خلیفه در بحرین و قدرت‌گیری احتمالی اپوزیسیون فعلی و تأثیرات این تغییر بر ترتیبات امنیتی خلیج فارس، کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و به‌ویژه تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

در پژوهش حاضر امنیت منطقه خلیج فارس متغیر وابسته و سیاست داخلی بحرین متغیر مستقل لحاظ شده که پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از داده‌های کمی و کیفی به دست آمده از کتابخانه که به روش تحلیل اسنادی و مضمون تحلیل شده‌اند، به بررسی تأثیرات تغییرات متغیر مستقل بر وابسته بپردازد.

چارچوب نظری: امنیت در مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ بر مطالعات امنیتی تمرکز دارد و به مطالعات گسترده‌ای در این زمینه پرداخته است. مکتب کپنهاگ می‌خواهد از نظریه‌های قدیمی امنیت مانند رئالیسم و نئورئالیسم فراتر رفته و امنیت را فقط به ابعاد نظامی یا توزیع قدرت در سطح جهانی تقلیل ندهد و البته در دام انتقادگرایی صرف مانند نظریات انتقادی یا پست مدرن نغلتد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر ساختار دو قطبی نظام بین‌الملل تا حدودی باعث افول جایگاه تحلیلی رئالیسم و نئورئالیسم یا واقع‌گرایی ساختاری در تحلیل مقوله امنیت شدند. دیگر نمی‌شد امنیت منطقه‌ای مانند خلیج فارس را با استفاده از موضوع نظام دو قطبی تحلیل کرد و بایستی به مقوله‌های دیگر و به‌ویژه مقوله‌های درون منطقه‌ای برای تحلیل امنیت منطقه‌ای پرداخته می‌شد. از مهم‌ترین نوآوری‌های این مکتب توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای در تحلیل امنیت است. سطح تحلیل جهانی چنان‌که در مکتب نئورئالیسم یا واقع‌گرایی ساختاری والتزی حائز بیشترین اهمیت است، بیشتر در باب تحلیل روابط قدرت‌های بزرگ مؤثر است و برای تحلیل امنیت قدرت‌های متوسط و منطقه‌ای کارایی چندانی ندارد (بوزان، ۱۳۷۹). اندیشمندان مکتب کپنهاگ باور دارند که نمی‌توان یک سیستم امنیتی واحد را برای همه کشورها تجویز کرد، بلکه قرار داشتن یک کشور در یک منطقه خاص باعث عوض شدن معادلات امنیتی و تهدیدات می‌شود؛ مثلاً کشورهای منطقه خاورمیانه از تهدیدات متفاوت‌تری در مقایسه با کشورهای اروپایی یا آمریکای مرکزی رنج

می‌برند و لاجرم دارای سیستم امنیتی متفاوت‌تری می‌باشند. علاوه بر این باری بوزان می‌گوید: «از آنجا که تهدیدات از فاصله‌ای نزدیک‌تر، سریع‌تر احساس می‌شوند تا از فاصله دور، ناامنی اغلب با نزدیکی همراه است. اغلب دولت‌ها از همسایگان خویش بیشتر واهمه دارند تا از قدرت‌های دور» (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۱۱).

سه اصل مورد تاکید باری بوزان در علل اهمیت امنیت منطقه‌ای: ۱- الگوهای دوستی و دشمنی ۲- اختلافات و هم‌بستگی‌های نژادی ۳- فروپاشی نظام دو قطبی می‌باشد (بوزان، ۱۳۷۹). در ادامه مهم‌ترین مباحث مکتب کپنهاگ را که برای توضیح امنیت در مناطقی مانند خاورمیانه و خلیج فارس کاربرد دارد را ذکر و توضیح می‌دهیم.

الگوهای دوستی و دشمنی از منظر مکتب کپنهاگ

انواع مختلف موضوعات، اختلافات یا دوستی‌ها در روابط با کشورهای مختلف و به‌ویژه کشورهای حاضر در یک منطقه مشترک وجود دارد که نمی‌توان با بررسی توزیع قدرت آن را تحلیل کرد. اموری چون اختلافات مرزی، تفاوت‌های نژادی، جنگ‌های تاریخی، مسائل قومی، نژادی و تاریخی را نمی‌توان به وسیله موضوع توزیع قدرت یا همان ابزار اصلی واقع‌گرایان ساختاری توضیح داد. بنابراین برای توضیح این قبیل موارد باید به مجموعه امنیتی روی آورد. مجموعه امنیتی یعنی گروهی از دولت‌ها که علایق امنیتی اصلی آنها به قدری زیاد و مشترک است که امنیت ملی آنها را نمی‌توان جدا از دیگر اعضای مجموعه تعریف کرد (Buzan, 1998).

اختلافات و هم‌بستگی‌های نژادی و فرهنگی

یک موضوع مهم در بحث امنیت ملی، اختلافات یا هم‌بستگی‌های نژادی-فرهنگی است که می‌تواند ایده امنیت ملی را سست یا مستحکم کند. باری بوزان معتقد است این اختلافات مذهبی، قومی، نژادی و تاریخی است که با سرعتی بالا خاورمیانه را درگیر نزاع‌های خونین ساخته و این عوامل دارای اثرات فراوانی بر منطقه خاورمیانه است (بوزان، ۱۳۸۳). مؤلفه‌های فرهنگی و نژادی تأثیرات شگرفی بر منطقه خاورمیانه گذاشته است. ایده ملت عرب و اتحادیه عرب، ایده شورای همکاری خلیج فارس، درگیری‌های شیعه-سنی در کشورهای مختلف خاورمیانه، حضور سه قوم عرب، ایرانی، ترک و یهودیان چند نژادی در فلسطین اشغالی و مباحث منطقه‌ای ایجاد شده توسط این کشورها موضوعاتی هستند که به شکل‌گیری و ساخته شدن مجموعه‌های امنیتی خاصی منجر می‌شوند. به تعبیری صریح‌تر باید گفت

که امنیت در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس شدیداً تحت‌الشعاع مسائل فرهنگی-هویتی قرار دارد (همان، ۱۳۸۳).

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۱

نظریه مجتمع امنیت منطقه‌ای (RSCT) یک نظریه روابط بین‌الملل است که توسط بری بوزان و اوله وور توسعه داده شد. نظریه مجتمع امنیت منطقه‌ای بیان می‌کند که امنیت بین‌المللی باید از منظر منطقه‌ای بررسی شود و روابط بین دولت‌ها (و سایر بازیگران) الگوهای منظم و خوشه‌ای جغرافیایی را نشان می‌دهد. مجموعه امنیتی منطقه‌ای اصطلاحی است که توسط بوزان و ویور برای توصیف چنین ساختارهایی ابداع شده است. مجتمع‌های امنیتی منطقه‌ای (RSC) به‌عنوان الگوهای متمایز و پایدار تعامل امنیتی بین بازیگران تعریف می‌شوند. آنها با درجات تعامل از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطح تعامل بین اعضای RSC یکسان بالا است، در حالی که بین اعضای RSCهای مختلف نسبتاً پایین است. همان‌طور که از نام آن پیداست، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای طبیعتاً جغرافیایی هستند و از بازیگران همسایه تشکیل شده و توسط موانع طبیعی مانند اقیانوس‌ها، صحرای و رشته‌کوه‌ها از یکدیگر جدا شده‌اند. دولت‌های منفرد نیز می‌توانند به‌عنوان «عایق» بین RSCها عمل کنند.

RSCT معتقد است که اقدامات و انگیزه‌های بازیگران در زمینه امنیت بین‌المللی به‌شدت منطقه‌ای است؛ این به آن معنی است که نگرانی‌های امنیتی یک بازیگر اساساً در همسایگی آنها ایجاد می‌شود. امنیت هر یک از بازیگران در یک منطقه با امنیت بازیگران دیگر در تعامل است. بیشتر نگرانی‌های امنیتی در مسافت‌های دور خیلی کم‌رنگ می‌شوند و بنابراین به احتمال زیاد تهدیدها در همسایگی نزدیک بازیگر بیشترین احساس را دارند. به دلیل نحوه کار مجاورت، اغلب وابستگی امنیتی شدیدی در یک RSC وجود دارد همان‌طور که بوزان و ویور بیان می‌کنند:

مجاورت فیزیکی ساده تمایل به ایجاد تعامل امنیتی بیشتر بین همسایگان نسبت به ایالت‌های واقع در مناطق مختلف دارد، نکته‌ای که والت (۱۴۰۲) نیز بر آن تأکید کرده است، مجاورت برای امنیت قوی است زیرا بسیاری از تهدیدها در مسافت‌های کوتاه راحت‌تر از مسافت‌های طولانی حرکت می‌کنند. این تئوری به دلیل وجود بازیگرانی با منافع امنیتی جهانی و قابلیت‌های فراقلمی نیرو پیچیده است. با این حال، بوزان و ویور معتقد هستند که حتی منافع امنیتی قدرت‌های جهانی اساساً ماهیت منطقه‌ای

دارد. دخالت آنها در مسائل امنیت منطقه‌ای اغلب باید به‌عنوان آنها توسط مسائل منطقه‌ای تلقی شود، نه لزوماً به‌عنوان مسائل قدرت بزرگی که در RSC نفوذ می‌کند، اگرچه این نیز می‌تواند اتفاق بیفتد. RSCها را می‌توان به خودی خود به‌عنوان سیستم‌هایی تعبیر کرد، به‌عنوان سیستم‌های «خرد» تعبیه شده در یک سیستم سیاسی بزرگ‌تر و جهانی. RSCها حاوی پویایی‌های امنیتی خاص خود هستند که در شرایط عادی تا حد زیادی مستقل از پویایی‌های امنیتی جهانی هستند. این امکان استفاده از مفاهیم مختلف روابط بین‌الملل -مانند توازن قدرت، قطبیت و وابستگی متقابل- را در مقیاس منطقه‌ای فراهم می‌کند. اصلاح بیشتر این نظریه، مفاهیم زیرمجموعه‌های منطقه‌ای (در اصل RSCها در RSCها) و ابرمجمع‌ها (در اصل مجاورت RSCهای مجاور) هستند (عبدالله‌خانی، ۱۴۰۱).

بوزان و ویور منافع امنیتی را در درجه اول دارای ماهیت منطقه‌ای می‌دانند. این در تضاد با دیدگاهی است -که در دوران جنگ سرد غالب بود- که سیاست امنیتی را عمدتاً بازتابی از منافع قدرت‌های بزرگ جهانی می‌داند. بوزان و ویور به خاورمیانه به‌عنوان مثال اشاره می‌کنند، جایی که چشم‌انداز امنیتی با وجود پایان جنگ سرد هیچ تغییر مؤثری را مشاهده نکرده است.

ویژگی‌های امنیتی در سطح مناطق با دوام هستند. آنها اساساً خودکفا هستند نه به معنای کاملاً مستقل بودن، بلکه در داشتن یک پویایی امنیتی که حتی اگر بازیگران دیگر به آن تضعیف نکنند، وجود خواهد داشت. این خودمختاری نسبی با پایان جنگ سرد آشکار شد، زمانی که دشمنی‌هایی مانند دشمنی بین اسرائیل و سوریه، عراق و کشورهای عربی خلیج فارس به راحتی از نابودی رقابت ابرقدرتی که از آنها حمایت کرده بود اما ایجاد نکرده بود، جان سالم به در بردند (همان).

RSCها از نظر مفهومی از «منطقه‌ها» متمایز هستند. از آنجایی که مناطق -همان‌طور که در فرهنگ، تاریخ یا سیاست استفاده می‌شود- مفاهیمی هستند که به صورت گفتمانی با تعاریف متفاوت بسته به زمینه شکل می‌گیرند، RSCها ساختارهایی کاملاً نظری هستند که از نظریه از طریق استدلال قیاسی شکل می‌گیرند. بنابراین، تعاریف مرتبط فرهنگی مانند «اروپا» یا «خاورمیانه» لزوماً RSC را تشکیل نمی‌دهند. با این حال با RSCهای تعریف شده نظری و تعاریف فرهنگی مناطق همپوشانی دارند. دیدگاه بوزان و ویور از امنیت به‌عنوان یک ساختار اجتماعی به این معنی است که چیزهایی مانند فرهنگ و تاریخ می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر ادراک بازیگران داشته باشند. با این وجود، RSCها تنها بر اساس الگوهای متقابل متقابل هستند.

ساختار سیاسی بحرین و علل شکل‌گیری بحران فقدان دموکراسی

کشور بحرین از ۳۵ جزیره با وسعت ۶۹۵ کیلومتر مربع کوچک‌ترین کشور منطقه خلیج فارس است. دین رسمی آن اسلام و نسبت شیعه به سنی حدوداً ۶۵ به ۳۵ به نفع اکثریت شیعیان است. از مهم‌ترین شهرهای بحرین می‌توان به منامه پایتخت، محرق و سنابس اشاره کرد. اگر جمعیت بحرین را به تفکیک گروه‌های گوناگون نشان دهیم باید به این چند دسته مهم اشاره کرد: ۱- خانواده حاکم یا آل‌خلیفه ۲- سنی‌هایی که اصالتی آفریقایی دارند و طی فرایند برده‌فروشی در قرون گذشته وارد بحرین شده‌اند ۳- سنی‌هایی که اصالت عرب دارند ۴- بحارنه که شیعیان اصیل بحرینی هستند ۵- عجم یا کسانی که از ایران به بحرین مهاجرت کرده‌اند و به مرور به بخشی از جمعیت بومی بحرین مبدل گشته‌اند ۶- اقوام مهاجر دیگر که از سایر کشورها مانند پاکستان یا هند به بحرین مهاجرت کرده‌اند^۱ (بحرینی، ۱۳۸۱: ۹). ماهیت رژیم سیاسی بحرین ظاهراً پادشاهی مشروطه و دارای قوای سه‌گانه مستقل است اما در واقع تمامی قوا تحت اختیار امیر بحرین و خاندان آل‌خلیفه قرار دارد. امیر بحرین در بالاترین جایگاه سیاسی کشور قرار داشته و حاکم و رئیس این کشور است و بعد از وی این مقام به بزرگ‌ترین فرزند پسر وی به‌عنوان جانشین و ولیعهد می‌رسد (میررضوی و احمدی، ۱۳۸۳).

تحت‌الحمایگی^۲ بحرین توسط انگلستان از ۱۸۸۰ شروع و طی فرایندی تا زمان استقلال این کشور یعنی ۱۹۷۱ ادامه یافت. از سال ۱۸۸۰ تا سال ۱۹۷۱، بحرین تحت سرپرستی یک مستشار انگلیسی اداره می‌شد اما خاندان حاکم بر بحرین همین خاندان آل‌خلیفه بوده‌اند که حاکمیتشان تا امروز ادامه پیدا کرده است. پس از استقلال بحرین در ۱۹۷۱، اصلاحات سیاسی-اجتماعی گوناگونی انجام و البته به شکست کشانیده شده‌اند و نارضایتی عمومی از حکومت و سیاست‌های شدیداً تبعیض‌آمیز به درگیری و تقابل نیروهای اجتماعی با حکومت خاندان آل‌خلیفه انجامیده است (نیکو، ۱۳۹۱).

بحرین دارای دو مجلس شورا و نیابتی است. مجلس شورا را هیأت حاکمه و مجلس نیابتی را مردم از طریق انتخابات تشکیل می‌دهند. نکته مهم در سیاست بحرین، قدرت بسیار اندک و تشریفاتی بودن دو

۱- رژیم آل‌خلیفه با دادن تابعیت بحرینی به بسیاری از مهاجران سعی می‌کند شیعیان را از اکثریت بیندازد.

2 - Protectorate

دولت تحت‌الحمایه (به انگلیسی: Protectorate) از نظر لغوی به معنای دولت ضعیفی است که تحت حمایت و پشتیبانی یک دولت بزرگ و نیرومند است. در حقیقت دولت‌های امپریالیستی به زور (مانند: نیروی نظامی، قدرت اقتصادی و...) نظام تحت‌الحمایگی (پروتکتور) را بر کشور کوچک تحمیل می‌کنند.

مجلس است و بنابراین وقتی از حکومت بحرین صحبت می‌شود در حقیقت باید گفت حکومت بحرین مساوی است با خاندان آل‌خلیفه و دیگر اجزای حکومت دارای قدرت بسیار اندک و نمایشی می‌باشند. مجلسین و به‌ویژه مجلس شورا که اعضای آن به تمام از طرف پادشاه منصوب می‌شوند، دارای نقش بسیار اندک و تشریفاتی بوده و به تأیید منویات و احکام پادشاه و خاندان حاکم می‌پردازند و کسب کرسی در هر یک از این دو مجلس نمی‌تواند نیروی قابل توجهی به نیروهای اجتماعی-سیاسی بحرین مانند شیعیان بدهد. شیعیان علاوه بر اینکه به دلیل نظام انتخاباتی نمی‌توانند بیش از ۱۸ کرسی در مجلس انتخابی به دست بیاورند، در عرصه‌های دیگر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری نیز از تبعیض بسیار شدیدی رنج می‌برند. شیعیان در این نظام حکومتی نمی‌توانند عهده‌دار مناصب عالی حکومتی مانند وزارت دفاع، خارجه، دادگستری، کشور و مدیر یا معاون در این وزارتخانه‌ها و پست‌های حساس دیگر شوند. پست‌های حساس حکومتی نه تنها دور از دسترس شیعیان قرار دارد بلکه برای سایر گروه‌های اجتماعی نیز مسدود بوده و فقط خاندان آل‌خلیفه و وابستگان نزدیک این خاندان می‌توانند آن مناصب عالی حکومتی را اشغال نمایند (افضلی و میرزاده، ۱۳۹۳). نظام انتخاباتی و سیاسی بحرین و قانون اساسی این کشور به طوری است که حتی عمیق‌ترین اصلاحات نیز نمی‌تواند حقوق گروه‌های اجتماعی عمده و مخصوصاً شیعیان را استیفا نماید و برای گسترش دموکراسی سیاسی و اجتماعی راهی جز از بین رفتن خاندان آل‌خلیفه از قدرت به طریق انقلاب یا انتخابات آزاد باقی نمی‌ماند و به تعبیر صریح‌تر باید گفت که نظام سیاسی بحرین طوری است که باقی ماندن خاندان آل‌خلیفه در قدرت حتی به صورت پادشاهی مشروطه نیز نمی‌تواند به منافع اکثریت گروه‌های اجتماعی از جمله شیعیان کمکی نماید. اساساً اگر شیعیان بتوانند اکثریت قاطع مجالس را تصاحب کنند و در وزارتخانه‌های حساس هم صاحب کرسی وزارت، معاونت و غیره شوند باز هم بیش از هفتاد درصد قدرت در دست پادشاه و خاندان آل‌خلیفه قرار دارد و چاره کار دموکراتیزاسیون در بحرین یک انقلاب براندازانه یا یک انتخابات آزاد است و در آن انتخابات آزاد هم خاندان آل‌خلیفه شانس برای به دست گرفتن قدرت نخواهد داشت (الهی، ۱۳۸۶).

امنیت منطقه خلیج فارس و نقش بحرین در آن

ابتدا باید گفت که امنیت منطقه خلیج فارس تابعی است از بازیگران محیط اطراف و البته بازیگران فرا منطقه‌ای. به طور کلی جنس بازیگران منطقه‌ای به چند دسته تقسیم می‌شود: ۱- ایران ۲- عراق ۳-

کشورهای حاشیه خلیج فارس (شورای همکاری خلیج^۱) -۴- قدرت‌های فرا منطقه‌ای (انگلستان و ایالات متحده آمریکا).

برای بررسی تأثیرات بحرین بر امنیت منطقه خلیج فارس ابتدا باید نقش بازیگران گوناگون را در منطقه توضیح دهیم و سپس تأثیرات احتمالی یک بازیگر دگرگون شده یعنی بحرین دموکراتیک بر امنیت منطقه و کاهش یا افزایش وزن ژئوپلیتیکی بازیگران را بهتر دریابیم.

الف) نقش ایران در امنیت خلیج فارس

با توجه به اینکه ایران یک کشور غیر عربی و غیر سنی است بالطبع دارای اختلافات فرهنگی، نژادی با کشورهای عربی منطقه بوده است. این اختلاف با بعضی کشورها مانند عراق پسا صدام یا سوریه بعثی (۱۹۷۰-۲۰۲۴) به دلیل شیعی یا علوی بودن اکثریت ساختار سیاسی آنان کمتر و با بعضی دول خلیجی که دارای نگاه‌های شدیداً عربی-سلفی هستند بسیار بیشتر است. نگاه کشورهای حاشیه خلیج فارس (به جز عمان و کمی هم قطر) به ایران همواره نگاهی تهدیدآمیز و در نظر گرفتن ایران به عنوان یک بازیگر غیر خودی و مخرب بوده که باید تلاش شود تا حد ممکن ضعیف و ضعیف‌تر شود، بوده است. از نظر تاریخی در بعد از پیروزی انقلاب ۵۷ در ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس تهدید ایران را چند برابر بیشتر از قبل در نظر گرفتند. در موضوع رابطه ایران با کشورهای عربی خلیج فارس در دهه هشتاد و جنگ ایران و عراق پژوهش‌های بسیاری انجام شده و ترجیع‌بند همه پژوهش‌های صورت گرفته حمایت همه جانبه کشورهای عربی خلیج فارس از رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای نابودی ماهیت وجودی طرف مقابل یعنی ایران بوده است (الهی، ۱۳۸۶). در جنگ دوم خلیج فارس یعنی حمله عراق به کویت و سپس حمله نیروهای ائتلاف به عراق و بازپس‌گیری کویت، معادلات امنیتی خلیج فارس اندکی به سود ایران متمایل گردید. گسترش روابط اقتصادی ایران با کشورهای حاشیه خلیج در دوران دولت سازندگی و البته ادامه خصومت در حوزه‌های امنیتی-نظامی از ویژگی‌های بارز این دوره بوده است (همان). در ادامه و با سقوط رژیم بعثی در عراق و نقش‌آفرینی شیعیان بعضاً وابسته به ایران، اهمیت و وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه افزایش یافت. با شکل‌گیری بهار عربی در سال ۲۰۱۱ نیز تقابل و رقابت ایران با کشورهای سنی منطقه به اوج رسید. ایران به این دلیل که نوعی

پدرخوانده شیعیان محسوب می‌شود، هر جایی که جنبش‌های شیعی رخ دهد قطعاً ایران به‌عنوان یکی از بازیگران مهم تلقی می‌گردد.

ب) عراق

عراق پساً صدام کشور نسبتاً ضعیفی در معادلات امنیتی خلیج فارس بوده و تحت تأثیر ایران و ایالات متحده قرار دارد. در دوره پس از یازده سپتامبر و حمله ایالات متحده به افغانستان و سپس عراق و حضور گسترده نیروهای خارجی در منطقه، جو منطقه به‌شدت متشنج شده و توازن قوا ابتدا به‌شدت به سمت ایالات متحده متمایل یافت ولی با استقرار دولت جدید عراق و نیرومند شدن ایران، معادلات تغییر یافت. نتیجه هجوم ایالات متحده، تضعیف شدید عراق و البته قدرت گرفتن گروه‌های شیعی در این کشور بوده است. مخالفت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با حمله نظامی ایالات متحده به عراق به دلیل تغییر توازن منطقه‌ای در بلند مدت به نفع ایران، در این چارچوب قابل ارزیابی است (جوکار و طوسی، ۱۳۸۹).

عراق اکنون بحران داعش را پشت سر گذاشته و با سرعت بالایی به رشد و سازندگی کشور خود می‌پردازد و روابط حسنه‌ای با ایران و اکثریت کشورهای عربی خلیج فارس دارد (مرزه و نجف‌زاده، ۱۴۰۱).

ج) قدرت‌های فرا منطقه‌ای

قدرت‌های فرا منطقه‌ای نیز حضوری فعال و گسترده در منطقه خلیج فارس داشته و دارند مانند ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین یا حضور نیروهای آمریکایی در قطر و سعودی و قدرت‌های فرا منطقه‌ای نقش بالاسر در معادلات امنیتی خلیج فارس را بر عهده دارند و ضعف کشورهای حاشیه خلیج فارس در برابر ایران را جبران می‌کنند. انگلستان به طور سنتی دارای نقش کلیدی در معادلات منطقه‌ای بوده و دارای نفوذ نسبتاً بالایی بر برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس است. حضور انگلستان در منطقه خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱ حضوری مستقیم بوده^۱ و پس از آن حضور به صورت غیر مستقیم و نفوذ بالا در خاندان‌های وابسته از جمله آل خلیفه بحرین بوده است.

۱- مقیم خلیج فارس یا سرای بریتانیا در خلیج فارس (به انگلیسی: The British residency of the Persian Gulf)

در واقع نمایندگی سیاسی بریتانیا در خلیج فارس بود که کاری شبیه یک سفارتخانه انجام می‌داد. ابتدا بیشتر به امور

حضور ایالات متحده اما بسیار گسترده‌تر است. آمریکا نزدیک به ۱۲ پایگاه نظامی در منطقه دارد که برخی از آنها عظیم هستند و برخی دیگر، عبارت از مراکزی شامل سامانه‌های نظارتی و کنترل، تجسس و رصد برای نظارت بر تهدیدها و بررسی آنها است.

پایگاه العدید با حضور حدود ۱۳ هزار سرباز در قطر، پایگاه عریفجان و پایگاه هوایی علی السالم، اردوگاه الدوحه و پایگاه بیورینگ با بیش از ۱۴ هزار نفر در کویت، پایگاه الظفره و جبل علی و فجیره در امارات بخشی از پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در خلیج فارس هستند. در این میان بحرین نیز از موقعیت ممتازی برخوردار است. بحرین مرکز مهمی برای نیروهای آمریکایی است و فرماندهی ناوگان پنجم آمریکا در آن قرار دارد، بر اساس اطلاعات موجود، نزدیک به ۹ هزار سرباز آمریکایی در بحرین حضور دارند. حضور نظامی آمریکا در بحرین به سال ۱۹۴۸ باز می‌گردد و هم اکنون نیروهای آمریکایی در سه پایگاه اصلی در بحرین حضور دارند. آمریکا در پایگاه دریایی الجفیر که مقر فرماندهی مرکزی نیروهای دریایی و ناوگان پنجم است، پایگاه هوایی شیخ عیسی و پایگاه هوایی المحرق که بخشی از فرودگاه بین‌المللی بحرین است، حضور دارد (خلیج آنلاین، ۲۰۲۴).

د) شورای همکاری خلیج فارس

شش کشور کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات و عمان عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند. این کشورها دارای بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی هستند و در مجموع ۴۰ درصد منابع نفتی و یک چهارم منابع گازی سراسر جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این کشورها در مجموع ۵۰ میلیون جمعیت دارند.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند که علی‌رغم اختلافات داخلی و میانه‌روی بعضی اعضا مانند عمان دارای همگنی نسبتاً بالایی در مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و به‌خصوص نظامی-امنیتی هستند و این همگنی را در مقاطع مختلفی از جمله جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس به نمایش گذاشته‌اند (منصوری، ۱۳۸۵).

تجاری و بعدها رسیدگی به امور مستعمرات بریتانیا در سراسر خلیج فارس در دوره استعمار از سال ۱۷۶۳ تا ۱۹۷۱ که آخرین بقایای استعمار از جزایر سه گانه ایرانی خارج شدند را بر عهده داشت.

پیامدهای استراتژیک انقلاب دموکراتیک در بحرین

پس از تشریح امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس و بازیگران گوناگونش، حال باید تاثیر انقلاب دموکراتیک در بحرین که منجر به سقوط آل خلیفه می‌شود را بر امنیت خلیج فارس بسنجیم. ابتدا از سطح ملی شروع می‌کنیم چرا که سیاست‌های خارجی و منطقه‌ای-امنیتی یک دولت تابعی است از سیاست داخلی و گروه‌هایی که در داخل کنترل دولت را در اختیار دارند.

الف) تاثیر یک انقلاب دموکراتیک در داخل کشور بحرین

اولین نتیجه انقلاب دموکراتیک در بحرین، سقوط خاندان آل خلیفه است که نزدیک به دو قرن حاکمان بلامنازع بحرین بوده‌اند. اینجا باید به گروه‌بندی‌های دیگری در صحنه سیاسی بحرین اشاره کرد. علاوه بر آل خلیفه که قدرت اصلی و بلامنازع بحرین می‌باشد گروه‌هایی مانند اخوان المسلمین (المنبر الوطني الاسلامی)، سلفی‌ها (الاصالة الاسلامیه) و جمعیت شوری الاسلامیه نیز در حاشیه صحنه سیاسی بحرین حضور دارند و به حمایت از رژیم آل خلیفه می‌پردازند (نیکو، ۱۳۹۱). در صورت وقوع انقلاب دموکراتیک، ساختار قدرت در بحرین وارونه شده و گروه‌هایی که اکنون در راس قدرت هستند در آینده دموکراتیک بحرین به گروه‌های اقلیت کمتر مؤثر تبدیل می‌شوند. در بین شیعیان نیز گروه‌های متنوع با مشی متفاوتی وجود دارند. جمعیت الوفاق به‌عنوان مهم‌ترین جنبش سیاسی مخالف آل خلیفه دارای مشی معتدل و میانه‌رو و غیر مسلحانه بوده و به ریاست شیخ علی سلمان و رهبر معنوی این گروه یعنی شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین در صحنه تحولات بحرین حضور دارند (Louer, 2008). در کنار جمعیت الوفاق، گروه‌های شیعه کوچک‌تر دیگری نیز وجود دارد که گروه جوانان چهارده فوریه با مشی رادیکال‌تر و تهاجمی‌تر را می‌توان نام برد. هر اندازه که رژیم آل خلیفه اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمی را سرکوب کند و راهی جز مقابله مسلحانه با رژیم باقی نگذارد، از وزن گروه‌های مخالف میانه‌رو کاسته و بر وزن گروه‌های رادیکال مسلح افزوده می‌شود. شیعیان حدود هفتاد درصد جمعیت بحرین را تشکیل می‌دهند و دارای همگنی نسبتاً بالا هستند و در ابعاد استراتژیک دارای هم‌سویی کلی بوده و تنها از نظر تاکتیکی و شیوه مبارزه دارای تفاوت هستند.

ب) تاثیر انقلاب دموکراتیک در بحرین بر منطقه خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس علاوه بر کارکرد امنیت منطقه‌ای دسته جمعی برای اعضا یکی از مهم‌ترین موانع دموکراتیزاسیون در کشورهای عضو می‌باشد. تامین امنیت جمعی در برابر تهدیدات خارجی و

شورش‌های داخلی مهم‌ترین کارویژه این سازمان بوده است. مجاورت جغرافیایی و همگنی دولت‌های عضو شورا به قدری بالاست که هر گونه تهدید خارجی مانند ایران تقریباً برای تمامی دولت‌ها تهدید محسوب شده و در سطح داخلی نیز اعتراضات و فرایند دموکراتیزاسیون قابلیت تسری از یک کشور به کشور دیگر مثلاً از بحرین به سعودی یا کویت را دارد. در حقیقت همان‌طور که آکاریا (۱۳۹۳) اشاره کرده است، شورای همکاری خلیج فارس به همان اندازه که ائتلافی در برابر تهدیدات خارجی است، ابزاری برای تقویت امنیت داخلی مجموعه‌ای از رژیم‌های پادشاهی مطلقه عربی در حاشیه خلیج فارس به شمار می‌رود (بوزان و ویور، ۱۳۹۰: ۱۱). استفاده از نیروی مشترک به نام «سپر جزیره» برای سرکوب و خاموش کردن ناآرامی‌های داخلی اعضا گواه بزرگی برای این مدعا است (اسدی، ۱۳۸۶). حضور نیروهای سعودی در سرکوب اعتراضات دموکراسی خواهانه مردم بحرین در پوشش همین برنامه سپر جزیره صورت گرفت (واعظی، ۱۳۸۹). از دیگر تأثیرات منطقه‌ای سقوط رژیم آل خلیفه در بحرین موارد زیر می‌باشد:

- ۱- گسترش فضایی ژئوپلیتیک شیعه در منطقه خلیج فارس (اتوال، ۱۳۷۹)
- ۲- امکان شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های جدید
- ۳- جدا شدن بحرین از اعضای شورای همکاری خلیج فارس و تعدیل موضعی ضد ایرانی این شورا
- ۴- تضعیف موقعیت عربستان سعودی در منطقه خلیج فارس.

ج) تأثیر تغییر رژیم در بحرین بر قدرت‌های فرا منطقه‌ای حاضر در منطقه خلیج فارس

رژیم سیاسی آل خلیفه دارای روابط بسیار نزدیک با متحد قدیمی خود یعنی انگلیس است. بحرین حوزه سنتی نفوذ انگلستان و مستعمره سابق این کشور بوده است. دیگر قدرت جهانی حاضر در منطقه خلیج فارس، ایالات متحده است. حضور ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده که مهم‌ترین پایگاه دریایی ایالات متحده حفاصل قاره آفریقا تا شرق آسیا محسوب می‌شود نیز در بحرین قرار دارد. این ناوگان وظیفه حراست و حفظ منافع آمریکا در کمر بند امنیتی خلیج فارس-دریای عمان-دریای سرخ-خلیج عدن و نیز ایجاد موازنه در خلیج فارس یعنی حمایت از کشورهای عربی در برابر قدرت ایران را بر عهده دارد. مضافاً این پایگاه استفاده‌های مهم دیگری مانند حمله به جنوب ایران در جنگ احتمالی با ایران، اعزام جنگنده به افغانستان یا عراق و سایر کشورهای منطقه، مدیریت عملیات‌های هوایی ایالات متحده در خلیج فارس و خاورمیانه را نیز بر عهده دارد (منصوری، ۱۳۸۵). بنابراین پر واضح است که اگر انقلاب دموکراتیک رخ دهد و قدرت به دست گروه‌های شیعه افتد و رژیم آل خلیفه از

قدرت خلع شود، حیات پایگاه‌های نظامی ایالات متحده و منافع سنتی انگلستان در بحرین به‌عنوان دو قدرت فرا منطقه‌ای مهم در خلیج فارس با خطرات ماهوی مواجه گردیده و بحرین احتمالاً از حوزه نفوذ این دو قدرت فرا منطقه‌ای خارج می‌شود.

(د) تاثیر انقلاب دموکراتیک در بحرین بر ایران

از دیدگاه باری بوزان و مکتب کپنهاگ، اختلافات قومی-نژادی و مذهبی همواره می‌تواند منشأ درگیری و تحول در مناطقی چون خاورمیانه و بالکان باشد. امنیت منطقه خلیج فارس و امنیت ملی ایران نیز تابعی مستقیم از این تنوع فرهنگی-مذهبی در منطقه خلیج فارس است. اساساً آنچه ایران را از کشورهای خلیج فارس جدا می‌کند همین فرهنگ و نژاد متفاوت است که سرمنشاء اختلافات گوناگون در طول تاریخ بوده است. البته این به معنای بسته شدن راه همکاری و داشتن روابط دوستانه نیست اما به طور کلی رابطه میان ایران و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رابطه‌ای بیشتر از نوع «سوءظن و هراس» و حداکثر «بی‌تفاوتی و بی‌طرفی» بوده است تا «حمایت و همکاری» و ایضا حمایت و همکاری هم بیشتر در حوزه‌های اقتصادی بوده و نه اساساً سیاسی یا امنیتی. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت انقلابی و اسلامی از نوع شیعی دارای متحدی استراتژیک چه در سطح جهان و چه در سطح منطقه‌ای نبوده و فقط چشم‌توسل به شیعیان جهان و در بحث ما شیعیان منطقه خلیج فارس دارد (ولی پور زرومی، ۱۳۸۳).

بحران بحرین باعث فعال شدن نیروهای شیعی در این کشور شده و به تعبیری مهم‌ترین مخالفان نظام سیاسی خاندانی بحرین هم گروه‌های عمده شیعه هستند. شیعیان بحرین تحت تاثیر انقلاب ایران از تشیع فرهنگی-عقیدتی به سمت تشیع سیاسی گرایش پیدا کردند و خواهان مشارکت سیاسی فعال در اداره کشور خود هستند (اسدی، ۱۳۸۹). اگر روند دموکراتیزاسیون در بحرین شدت بگیرد، واضح است که قدرت به دست گروه‌های شیعی متمایل به ایران خواهد افتاد و این کابوسی است برای دولت عربستان سعودی و سایر کشورهای خلیج فارس. برهم خوردن موازنه قوا در خلیج فارس به سمت ایران، تسری پیروزی احتمالی شیعیان بحرین در قیام علیه استبداد خاندانی به دیگر بخش‌های خلیج و علی‌الخصوص شیعیان شرق عربستان و ایضاً جدا شدن بحرین از شبکه امنیتی سعودی در خلیج فارس به وحشت سعودی‌ها خواهد افزود. تضعیف قدرت آمریکا و انگلیس و محور شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی مساوی است با برهم خوردن توازن قوای خلیج فارس به نفع ایران و افزایش ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (واعظی، ۱۳۸۸).

نتیجه

با توجه به ترکیب جمعیتی و ساختار سیاسی غیر دموکراتیک و خودکامه در بحرین فعلی باید گفت که در صورت وقوع انقلاب دموکراتیک، رژیم فعلی خاندان آل خلیفه که نزدیک به دو قرن حاکمان بلامنازع بحرین بوده‌اند، سقوط خواهند کرد و جای خود را به یک رژیم نسبتاً دموکراتیک می‌دهند؛ یعنی ساختار قدرت در بحرین وارونه شده و گروه‌هایی که اکنون در راس قدرت هستند در آینده دموکراتیک بحرین به گروه‌های اقلیت کمتر مؤثر تبدیل می‌شوند. اگر نظام سیاسی آتی بحرین به سمت انتخابات آزاد برود آنگاه شیعیان به راس قدرت در بحرین ارتقا پیدا می‌کنند و سیاست‌های داخلی و خارجی بحرین دگرگون خواهد شد. فرض مقاله حاضر نیز وقوع انقلاب دموکراتیک و تحقق یک بحرین آزاد و دموکراتیک است.

از مباحث نظری مکتب کپنهاگ و نظریه مجموعه امنیتی دسته جمعی نتیجه می‌گیریم که امنیت به صورت منطقه‌ای و مرتبط به هم بوده و تغییرات (و در بحث ما تغییرات شدید منبث از انقلاب) در یک کشور دارای تأثیرات عمیق بر امنیت منطقه و بازیگران حاضر در صحنه امنیتی منطقه می‌شود.

وقوع انقلاب در بحرین و روی کار آمدن گروه‌های جدید باعث تغییر در رفتارهای سیاسی-امنیتی دولت بحرین شده و این اتفاق بحرین را از سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس جدا کرده، چرا که به عضو ناهمگن شورای همکاری خلیج فارس تبدیل می‌شود. یکدستی کشورهای حاشیه خلیج فارس به هم خورده و این کشورها و علی‌الخصوص عربستان سعودی یک متحد استراتژیک خود را از دست خواهند داد.

حیات پایگاه‌های نظامی ایالات متحده و منافع سنتی انگلستان به عنوان دو قدرت فرا منطقه‌ای در بحرین با خطرات ماهوی مواجه گردیده و البته به دلیل وجود آلترناتیوهای دیگر مانند قطر و کویت و امارات، منافع نظامی-امنیتی ایالات متحده چندان تضعیف نمی‌شود؛ یعنی در صورتی که دولت جدید بحرین خواستار تخلیه پایگاه‌های نظامی آمریکا و ناوگان پنجم نیروی دریایی این کشور در بحرین شود، این پایگاه‌ها می‌توانند به قطر یا امارات منتقل شوند.

از میان رفتن یک رژیم ضد ایرانی و ضد شیعی در بحرین و جایگزین شدن آن با یک نظام نسبتاً دموکراتیک که گروه‌های شیعه در راس قدرت آن باشند باعث دگرگونی در سیاست‌های خارجی و امنیتی دولت بحرین شده و جهت این دگرگونی به سمت ایران یا حداقل به نسبت سیاست‌های آل خلیفه بسیار کمتر به ضرر ایران خواهد بود.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اتوال، فرانسوا (۱۳۷۹). ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه علیرضا قاسم آقا، نشر: آمن.
- ۲- افضل، رسول، و میرزاده کوهشاهی، مهدی (۱۳۹۳). تبیین ژئوپلیتیکی عدم استقرار دموکراسی در بحرین. *فصلنامه علمی شیعه‌شناسی*، ۱۲ (۴۸)، ۷۵-۱۰۲.
- ۳- بحرینی، مرتضی (۱۳۸۱). جنبش‌های سیاسی-اجتماعی بحرین، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۴- بوزان، باری (۱۳۷۹) (گفتگو). آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۳ (۳).
- ۵- بوزان، بری، و آمیتاو آکاریا (۱۳۹۳). نظریه‌های غیر غربی روابط بین‌الملل - دیدگاه‌هایی درباره آسیا و فراسوی آن، ترجمه علیرضا طیب، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- ۶- بوزان، بری؛ ویور، آلی، و دووید، پاپ (۱۳۹۱). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، مترجم علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۹۰). تحولات خاورمیانه، در برآورد راهبردی امنیت جمهوری اسلامی ایران.
- ۸- پناهی، محمدحسین (۱۴۰۲). نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، تهران: انتشارات سمت.
- ۹- توکویل، آلکسی دو (۱۴۰۳). انقلاب فرانسه و رژیم پس از آن، ترجمه محمد ثلثی، تهران: نشر مروارید.
- ۱۰- جوکار، محمدصادق، و طوسی، مهدی (۱۳۸۹). تحلیل تئوریک فرهنگ‌های حاکم بر روابط ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس. *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، ۵.
- ۱۱- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۳). تهدیدات منطقه‌ای ایران پس از جنگ سرد: پیامدها و پاسخ‌ها. *فصلنامه سیاست خارجی*.
- ۱۲- شاه قلعه، صفی الله، و اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۳). بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی به انقلاب بحرین. *فصلنامه علمی شیعه‌شناسی*، ۱۲ (۴۵)، ۷-۳۴.
- ۱۳- عباسی، مجید، و حسنی، حسن (۱۳۹۵). شورای همکاری خلیج فارس و روند بیداری اسلامی در بحرین. *سیاست پژوهی ایرانی (سپهر سیاست سابق)*، ۴ (۱۲)، ۵۹-۷۸.
- ۱۴- عبدالله خانی، علی (۱۴۰۱). نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و پژوهشات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۱۵- مرزه، محمدحسین، و نجف‌زاده، رضا (۱۴۰۱). تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تاثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۵ (۱)، ۷۷-۱۰۹.
- ۱۶- منصوری، جواد (۱۳۸۵). آمریکا و خاورمیانه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۷- مهکویی، حجت (۱۳۹۸). تبیین چالش‌های شیعیان در کشور بحرین. *مطالعات خاورمیانه*، ۲۶ (۱)، ۱۳-۳۸.

۱۸- میررضوی، فیروزه، و بهزاد احمدی لفورکی (۱۳۸۳). راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس، تهران: ابرار معاصر.

۱۹- نیکو، احمد (۱۳۹۱). ماهیت شناسی جنبش سیاسی شیعیان بحرین. ۱۵ خرداد، ۹ (۳۲).

۲۰- واعظی، محمود (۱۳۸۸). ایران و اعراب، پژوهش ۲۱، پژوهشکده پژوهشات استراتژیک.

۲۱- والت، استفان (۱۴۰۲). ریشه اتحادها، ترجمه زهرا زمردی انباجی و علی اسمعیلی اردکانی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و پژوهشات بین المللی ابرار معاصر تهران.

۲۲- ولی پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳). گفتمان های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۳- الهی، همایون (۱۳۸۶). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: قومس.

منابع غیر فارسی

- 1- Buzan, Barry, Waever, Ole, Jaap De Wilde, (1998), Security: "A New Framework for
- 2- Louër, Laurence (2008); Transnational Shia politics: religious and political networks in the Gulf. Hurst & Company.
- 3- Power Politics, *International Organization*, Vol, 46, No.2.

منابع اینترنتی

- ۱- خلیج آنلاین (۲۰۲۴). القواعد الأمريكية فی الخلیج. حجم الحضور العسکری وأهدافه، <https://alkhaleejonline.net/%D8%B3%D9%8A%D8%A7%D8%B3%D8%A9/%D8%A7%D9%84%D9%82%D9%88%D8%A7%D8%B9%D8%AF-%D8%A7%D9%84%D8%A3%D9%85%D8%B1%D9%8A%D9%83%D9%8A%D8%A9-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D8%AE%D9%84%D9%8A%D8%AC-%D8%AD%D8%AC%D9%85-%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%B6%D9%88%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%B3%D9%83%D8%B1%D9%8A-%D9%88%D8%A3%D9%87%D8%AF%D8%A7%D9%81%D9%87>